

# انجمن پژوهشی های پژوهشی

پروفسور سید حسن امین



## عناوین مجعول

همیشه عنوان و لقب در ایران نشانه احترام و منزلت اجتماعی تلقی می شده است. هفته گذشته، دکتر حسین صدیقی، فرزند مرحوم دکتر غلامحسین صدیقی (پدر علوم اجتماعی ایران و وزیر کشور زنده یاد دکتر محمد مصدق) کتاب «القباب و مناصب عصر قاجاری و اسناد امینالضرب؛ یادگاری دکتر اصغر مهدوی» را به من هدیه داد. در مقدمه این کتاب که همراه یادداشت زنده نام استاد ایرج افشار چاپ شده است، نوشته اند:

«از دیرباز در ایران به افراد سرشناس که شخصیت خاص سیاسی، اجتماعی یا فرهنگی داشته اند، از سوی زمامداران یا دولتمردان و یا عالمان دین و غیره لقب یا القابی اعطا می شده».

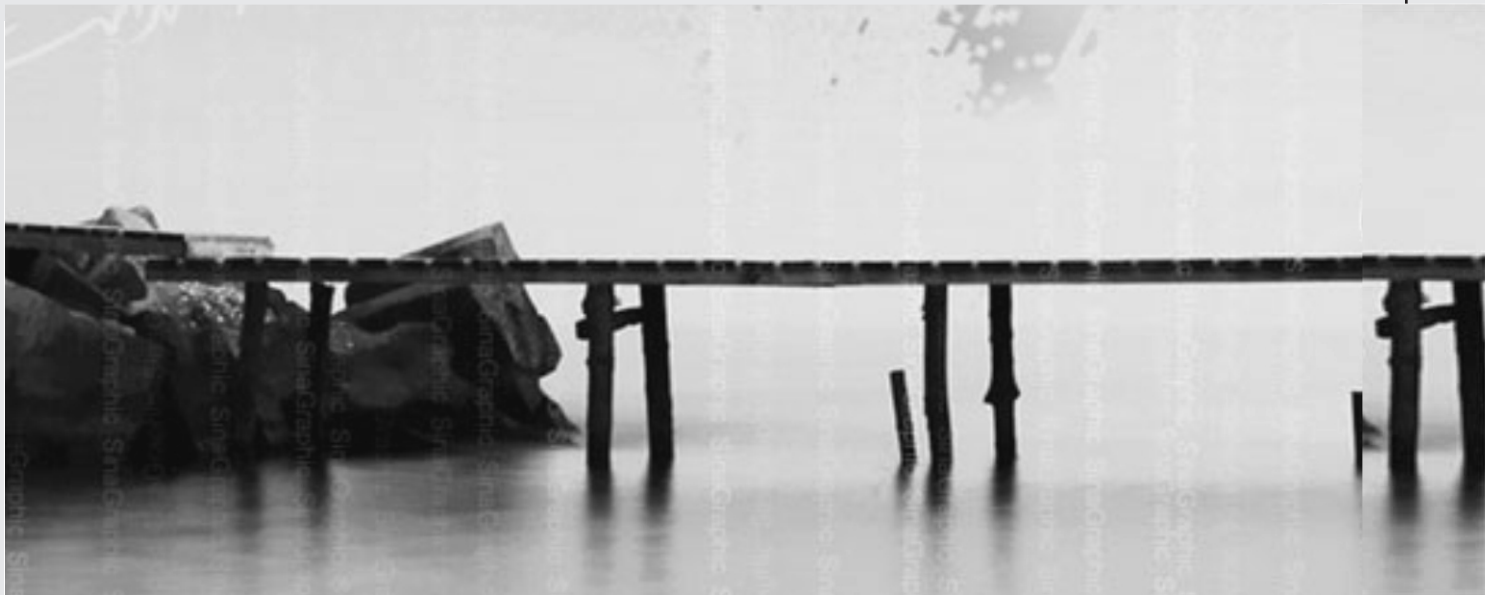
خوب، اشخاص یا باید واقعاً لایق این عناوین و القاب می بودند یا با تراشیدن واسطه یا دادن رشوه چنین لقبی را می گرفتند. یا اگر این امکان را هم نمی داشتند گاهی القاب و عناوین دلخواه خودشان را به دروغ به خود می بستند.

در زمانه ما عناوین و تیتراهای اشخاص

بیشتر ناظر به مراتب علمی اند مثل دکتر، مهندس و احياناً پروفیسور. کسانی که خوب درس بخوانند حائز این مدارج و عناوین می شوند. کسانی ممکن است خیلی خوب درس نخوانند و با اعمال نفوذ و فعل و انفعالاتی حائز آن مدارک شوند. عده ای هم ممکن است حتی زحمت کسب مدرک صوری را هم به خود ندهند و فقط عنوان را به دروغ به خود نسبت دهند.

در دو سه ساله اخیر در پی رسوایی های به خود بستن عناوین دکتری در سطوح بالای جامعه، در شانزدهم اسفند ۱۳۸۸ بالاخره مجلس شورای اسلامی ماده واحده ای به تصویب رساند که به موجب آن هر کس من غیر حق برای خود از عناوین علمی دکتری یا مهندسی به هر نوعی اعم از کتبی و شفاهی در رسانه ها یا مطبوعات یا تبلیغات و سخنرانی ها استفاده کند، برابر ماده ۵۵۶ فصل هشتم کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی به سه ماه تا یک سال حبس محکوم شود.

باید امیدوار بود که اشخاص از ترس مجازات، کمتر در این موارد دروغ بگویند. هرچند کلاهبرداران از قدیم همه جور دروغ



اخلاقی، همه بر این پایه استوارند که هر فرد انسانی، به استقلال، حق انتخاب دارد و رفتار و کردار هر کسی محصول تصمیم‌ها و انتخاب‌ها و کارهای خود اوست. اگر این اصل، پذیرفته نشود، مجازات و عقاب معنی ندارد.

در گذشته‌ها اکثر مردم از گردش چرخ و فلک شکایت می‌کردند و اوضاع خود را به تقدیر حواله می‌کردند و می‌گفتند:

گلیم بخت کسی را که یافتند سیاه

به آب کوثر و زمزم سفید نتوان کرد

امروز، اکثر ما با فرافکنی، مشکلات خودمان را نتیجه مستقیم رفتار دیگران بر می‌شماریم. برای مثال، شخصی که چک اش برگشت می‌خورد، آن را محصول بدقولی دیگران می‌داند در حالی که او می‌توانست در صورت عدم اطمینان به نداشتن وجه در بانک، چک نکشد. یا ملتی مشکلات موجود خود را نتیجه تصمیم‌های استعمارگران کهنه و نو بر می‌شمارد. برای نمونه، ایرانی وقوع کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را محصول توطئه آمریکا و انگلیس بر ضد ایران می‌داند در حالی که اگر بعضی‌ها

### • محمود بیهقی

حالا می‌خواهم گریزی بزنم به یک چهره پاک و پاکیزه فرهنگی، از همشهریان همان حکیم سبزواری که چندی پیش در مشهد از دنیا رفت تا تعرف الاشیاء باضدادها (هر چیزی با ضد آن شناخته می‌شود). مصداق پیدا کند.

محمود بیهقی، فرهنگی پرتلاش سبزواری مقیم مشهد، مؤسس خانه سبزواری (مؤسسه خیریه سبزواری‌های مقیم مشهد) و مؤلف «دایره المعارف بزرگ سبزواری» (در سه جلد قطور) بود. او عمری را در خدمت به فرهنگ و آموزش و پرورش گذرانده بود. نام خانوادگی او منسوب به بیهقی است و بیهقی هم، نام کهن شهر سبزواری است. محمود بیهقی به زادگاهش عشق می‌ورزید و چندین کتاب در باب آن منطقه نوشته بود. روحش شاد.

### • مسؤلیت‌پذیری

به رغم تأثیر محیط و به رغم پذیرش تأثیرگذاری محدودیت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، باز هم، هر کسی مسؤول زندگی خویش است. علم حقوق و اصول

برای کسب منفعت می‌گفته و می‌نوشته‌اند. برای مثال بنا به مندرجات صفحه ۱۷۷ همان کتاب (القاب و مناصب عصر قاجاری و اسناد امینالضرب)، حکیم حاج ملاهادی سبزواری «همشیره زاده» ای به نام حاج درویش سبزواری ملقب به «شمس العرفا» و متخلص به «شیدا» داشته است که از او نامه ای به تاریخ ۱۳۰۸ قمری در اسناد امینالضرب اول باقی است.

حدس من این است که نویسنده این نامه، خواهرزاده حاج ملاهادی سبزواری نبوده، لقب شمس العرفا نداشته، لاف در غربت زده و خلاصه برای سرکیسه کردن امینالضرب در عالم گدایی و کلاشی، شعری در مدح این تاجر گفته و تقاضای کمکی کرده است. این سخن را از آن جهت می‌گویم که در هیچ یک از اسناد موجود راجع به شعرا و عرفای سبزواری نامی از شاعری متخلص به شیدا و ملقب به شمس الشعرا ندیده‌ام و در هیچ یک از کتاب‌های مرتبط با خاندان حاج ملاهادی سبزواری هم، چنین خواهرزاده‌ای برای حاج ملاهادی مذکور نیست. حکایت او شبیه همان «شیدای» یست که به قول سعدی گیسوان برافراشت که علوی‌ام!

شدم تعدادی را از فهرست خوب ها به لیست بدها منتقل کنم.

شاید واقع گرانه این تجربه خیلی ها باشد. شما سر بزنگاه و در روز واقعه به درجه وفاداری دوستان پی می برید. با این همه نباید سختگیر بود. اما سخن صائب تبریزی بهتر است:

پر در مقام تجربه دوستان مباش  
صائب، که زود بی کس و بی یار می شوی  
معنای این حرف آن است که انسان باید  
خیلی از دوستان و حتی خانواده اش توقع  
نداشته باشد. روی پای خودش بایستد.  
مشکلات خودش را خودش حل کند و  
دوستانش را هم در همان حدی که مایل به  
یاری و مشتاق ابراز دوستی و محبت اند،  
حفظ کند. توقع زیاد از کسی نداشته باشد  
وگر نه این توقعات زیاد، نه تنها بین دوستان  
بلکه بین اعضای یک خانواده هم منجر به  
گسسته شدن پیوندها می شود.

مخلوقات خدا هم کسانی از من بهترند و هم کسانی در خوبی و بدی با من برابر و همسان اند و هم کسانی شاید بدتر از من وجود دارند.

من در مقام داوری شما بر نمی آیم. در عین حال به دلیل همان خوبی ها و بدی هایی که دارم، بدم نیامد که این شعر را برای شما بنویسم:

شخصی بدی ما به خلق می گفت  
ما دل ز غمش نمی خراشیم  
ما نیکی او به خلق گفتیم  
تا هر دو دروغ گفته باشیم.

#### • معیار نیک و بد دوستان

دکتر قاسم غنی در خاطراتش که من هم در چاپ آنها دست داشتیم، نوشته است: من در اواسط عمر در ذهن خودم آشنایان و معاشرانم را به دو دسته خوب و بد تقسیم می کردم ولی هرچه از عمرم گذشت مجبور

یاری نمی کردند چنین کودتایی صورت نمی گرفت. پس خود ما ملت (یعنی بخشی از همین خود ما مردم) مسؤول بوده و هستیم. شعر ناصر خسرو فراموشمان نشود:

نکوهش مکن چرخ نیلوفری را  
برون کن ز سر باد خیره سری را  
تو چون خود کنی اختر خویش را بد  
مدار از فلک چشم نیک اختری را

#### • نامه ای به یک آشنا

چندی پیش کسی در مقام نقد شخص و شخصیت من - به گمان من از سر حسد - نامه ای برایم فرستاده بود. این چند سطر را برایش نوشتم ولی نفرستادم. اما حیفم می آید آن را در این جا ثبت نکنم: نامه شما را خواندم. تا آنجا که به من مرتبط است، باید بگویم که من هم یکی از بندگان خدایم، اطمینان دارم که در بین



## Samavati Insurance Agency



شعله سماواتی

مشاور صدیق شما در امور بیمه

• تجاری

• عمر

• ماشین

• منزل

Tel: 281-999-9990

Fax: 281-763-2635

11511 Katy Freeway #530 Houston, TX 77079

samavati@sbcglobal.net